

بررسی تاثیرات شعر و قصه و نقش آن ها در آموزش و یادگیری

هدیه صادقی^۱

^۱ فوق لیسانس زبان وادبیات فارسی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیرات شعر و قصه و نقش آن ها در آموزش و یادگیری است. این مقاله به روش مروری توصیفی و برای گردآوری اطلاعات آن تلاش شده است که به منابع کتابخانه ای معتبر مراجعه گردد. از همان زمان گذشته قصه وسیله ای برای رفع نیازهای روانی کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان به شمار می رفت و از آن به عنوان یک روش تدریس برای یادگیری و آموزش بهره می گرفتند. از آنجایی که دانش آموزان به خصوص دانش آموزان ابتدایی به شنیدن قصه علاقه نشان می دهند میتوان از این روش تدریس خلاق یعنی قصه گوئی استفاده کرد. یک روش دیگر جذاب دیگر هم استفاده از شعر خوانی است این دو موضوع یعنی قصه گوئی و شعر خوانی از جذابیت و اهمیت زیادی برخوردار بودند به همین علت هم در مقاله به شرح و تفسیر آن پرداخته ایم. شعر هم اهمیت زیادی دارد و یکی از مهارت های هفت گانه که در زمان قدیم هم به آن اهمیت می دادند شعر خواندن بود همچنین از آنجایی که کودکان و دانش آموزان زیبایی و آهنگین بودن کلام را دوست دارند یادگیری از طریق شعر هم می تواند ماندگاری زیادی داشته باشد. در مقاله حاضر به شرح و توضیح هر یک پرداخته شده است.

واژه های کلیدی: یادگیری، قصه، شعر، قصه گوئی خلاق، تعلیم و تربیت، قالب و معیار های شعری، دانش آموزان.

مقدمه

قصه، آینه‌ای است که شنونده یا خواننده خود را در آن می‌یابد. قصه منعکس کننده امیدها، ترس ها، شادی ها، غم ها، مصائب، شانس، خلق و خو، نگرش و اعتقادات است قصه پاسخی است به کنجکاوی انسان و کنجکاوی یکی از ابعاد فطرت انسان است. میل ذاتی انسان به شنیدن قصه موجب شده است تا قصه گویی به عنوان یکی از روش های آموزشی و تربیتی در طول اعصار مورد توجه باشد. قصه گویی در نظام آموزشی می تواند با اشکال مختلف درسی بیامیزد، به شرطی که روی برنامه ها به خوبی فکر شده باشد و ارتباط بین بخش های آن منسجم باشد. اگر فعالیت قصه گویی توسط فردی ناتوان که با اصول قصه گویی آشنا نیست، ارائه شود؛ نه تنها نمی تواند موثر واقع شود بلکه علی رغم میل فطری کودک به قصه او را از محیط قصه فراری می دهد. معلم در نقش یک قصه گوی خوب می تواند مهارت خوب گوش کردن و مهارت زبانی کودکان را بالا برده و با خوب تلفظ کردن، استفاده از عبارات صحیح و اصولی و خوب بیان کردن الگویی صحیح در اختیار قرار داده و تاثیرگذار باشد. گفتن قصه انگیزه یادگیری را زنده می کند و مطلب را در حافظه جای می دهد. تجربیات ما در گوش دادن به داستان و قصه در ایام کودکی، سیستم ذخیره سازی حافظه مغز را به پایه و اساس یادگیری و به یاد آوردن تبدیل می کند. این پایه دو بخش دارد. یکی روابط مثبت عاطفی که از طریق تجربه خواندن یا گفتن قصه ایجاد شده است و دیگری، آشنا شدن با شیوه روایت قصه، به یک چارچوب نگهداری در حافظه دراز مدت در طول عمر می انجامد. علاوه بر قصه، شعر خوانی نیز بر روی یادگیری تاثیر می گذارد. خواندن شعر، تاثیر عمیقی بر رشد کودک دارد. یافته های کارشناسان آموزش نشان می دهد که اگر کودکی تا ۴ سالگی شعرهای متفاوتی را از بر باشد، پیشاپیش در مهارت خواندن، پیشرفت کرده است. حفظ شعر و خواندن آن در سنین ۲ تا ۶ سالگی به کودک کمک می کند تا روی کاری خاص تمرکز کند، احساساتش را پرورش دهد، حافظه اش را تقویت و گوش هایش را کوک کند. وجه آهنگین شعر، آموختن واژه های نو را ساده تر و سنگینی تجربه ی یادگیری را برای کودکان سبک تر می کند. به این شکل، آنها، زبان را با روشی سرگرم کننده، خلاقانه و خوشایند و دلپذیر می آموزند. کودکان از طریق شعر و آهنگ می آموزند که بعضی واژه ها آهنگ مشابه، اما معنای متفاوتی دارند. آنها به وسیله ی شعر، الگوی ترکیب واژه ها و ساختار بندی عبارات و جمله ها را درک می کنند.

یادگیری

روانشناسان مختلف تعریف متفاوتی از یادگیری ارائه داده اند مثلاً رفتار گرایان یادگیری را تغییر در رفتار قابل مشاهده و اندازه گیری تعریف کرده اند در حالی که روانشناسان پیرو مکتب گشتالت آن را کسب بینش های جدید یا تغییر در بینش های گذشته می دانند. (شعبانی، ۱۳۹۱).

یادگیری را می توان به عنوان تغییری به نسبت پایدار در رفتار معلومات و مهارت های تفکر که از طریق تجربه به دست می آیند تعریف کرد. دامنه یادگیری بسیار گسترده و شامل رفتارهای آموزشی و غیر آموزشی است. یادگیری در مدرسه و هر جای دیگر که کودک در آن دنیا را تجربه می کند روی می دهد. (جان دبلیو، ۱۹۹۱).

در فرآیند یادگیری عوامل و متغیرهای مختلف به طور مستمر در تغییر تحول نوآوری یا رکود یادگیرنده مؤثر است، این عوامل عبارتند از:

۱- آمادگی: کودک باید از لحاظ جسمی، عاطفی، ذهنی و علمی رشد کافی کرده باشد، عواملی چون دلبهره، اضطراب، عدم امنیت یادگیری را مختل می سازد.

- ۲- هدف و انگیزه: هدف به فعالیت یادگیرنده، جهت و نیرو می دهد.
- ۳- اسناد علی و انتظار موفقیت: یعنی انتظار افراد در موفقیت به علت تلاش و توانایی خود.
- ۴- تجارب گذشته: تجربه ها ساخت شناختی کودک را نشان می دهند، یادگیری ارتباط بین تجربه ها و اطلاعات جدید است.
- ۵- موقعیت و یادگیری: محیط از عوامل بسیار مؤثر در یادگیری است. رابطه خوب والدین با کودک، محیط های عاری از ترس، اضطراب و ناامیدی در یادگیری تأثیر دارد. (شعبانی، ۱۳۹۱).

تعریف قصه گوئی و اهمیت آن

قصه گوئی عبارت است از هنر یا حرفه نقل داستان به صورت شعر یا نثر که شخص قصه گو آن را در برابر شنونده ی زنده اجرا می کند. داستان هایی که نقل می شود می تواند به صورت گفت و گو، ترانه، آواز یا موسیقی یا بدون آن با تصویر و سایر ابزار های همراهی باشد. ممکن است از منابع شفاهی، چاپی یا ضبط مکانیکی استفاده شود و یکی از اهداف آن بایستی سرگرمی باشد. در روزگاران کهن تاریخ، سنت ها، مذهب، آداب، قهرمانی ها و غرور قومی به وسیله قصه گو ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می شد. داستان برای کودکان پلی برای ورود به جهان ناشناخته ها، بارور کننده تخیل و خلاقیت ذهنی آفریننده، باورها و منش های اصیل و آرامش بخش قلب و زاینده اضطراب می تواند باشد. قصه گوئی در طول تاریخ مورد علاقه و توجه بشر بوده و برای او جذابیت و کشش خاصی داشته است قصه همواره منعکس کننده دیدگاه انسان درباره جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او و وسیله انتقال و آموزش آداب و سنن اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسل های دیگر بوده است. (غلامی زارع زاده، ۱۳۹۵). قصه گوئی ساده ترین، ارزان ترین و در عین حال مؤثرترین شیوه های ادب شفاهی و نمایشی است که امکان اجرای آن تقریب در هر مکان و هر زمان با حداقل امکانات ممکن است. قصه گوئی برنامه ای است که تا حد زیادی موجب رضایت و خشنودی قصه گو از یک سو و شنوندگانش از سوی دیگر است. کودک از تکرار قصه، داستان، شعر و یا فیلم های متحرکی که به ویژه هیجان و حرکت داشته باشند بی نهایت لذت می برد. او به طور طبیعی و با رضایتمندی به موسیقی، اشعار و اصواتی که دارای ریتم، وزن و قافیه است گوش می دهد. آنها را تکرار می کند و احساس شادمانی و سرخوشی به او دست می دهد از تکرار آنها احساس خستگی و آزرده گی نمی کند. اگر چه مدت زمان توجه و تمرکز کودک کوتاه و کم است ولی در مورد مطالبی که هیجان انگیز و پر هیاهو باشد مقاومت نشان می دهد و گذر زمان را متوجه نمی شود تحرک، پویایی و جنب و جوش هایی از این دست محرک های خوبی به حساب می آیند که در کودک علاقه و انگیزه ی یادگیری ایجاد می کند. (غلامی زارع زاده، ۱۳۹۵).

جایگاه قصه در تمدن ایرانی-اسلامی

در میان اقوام مختلف افسانه همیشه رایج بوده است. این افسانه ها همه چیز را روشن می کرد. پرده از اسرار طبیعت بر می گرفت. می گفت که پدیده های طبیعی چگونه به وجود آمد. داستان به سبک غربی در ایران از دوران مشروطه به وجود آمد؛ اما داستان پردازی در ایران سابقه بس طولانی دارد و عده ای بودند که برای مردم قصه می گفتند. در ایران در دوره های مختلف به خصوص دوره اشکانی و ساسانی رسم قصه گوئی رواج داشته است و در دوره ی اسلامی هم این سنت ادامه داشت، در کنار قصه گوئی بسیاری از قصه هایی که تا پیش از این به صورت شفاهی نقل می شد به صورت مکتوب درآمد و حتی به

صورت شعر نوشته شد. همچنین بسیاری از شاعران و نویسندگان اندیشه های اسلامی و تعلیمی خود را در قالب حکایت ها و قصه ها ریختند و این اندیشه های ارزنده را در خدمت دیگران گذاشتند که از این میان میتوان به قصه ها و حکایت های مثنوی معنوی بوستان سعدی، منطق الطیر عطار، مخزن الاسرار نظامی و گلستان سعدی اشاره کرد. (ظاهری عبده وند و یدالهی، ۱۳۹۳).

هدف از قصه گویی

هدف قصه ها، به ظاهر خلق قهرمان و ایجاد کشش و بیدار کردن حس کنجکاوی و سرگرم کردن خواننده یا شنونده است و لذت بخشیدن و مشغول کردن. اما در حقیقت درون مایه و زیر بنای فکری و اجتماعی قصه ها ترویج و اشاعه اصول انسانی و برادری و برابری و عدالت اجتماعی است. کودکان با خواندن قصه بین خود و قهرمان داستان یک نوع رابطه ایجاد می کنند و خود را به او نزدیک می نمایند به گونه ای که از این رابطه احساس امنیت و آرامش می کنند؛ بنابراین اقدامات و اعمال قهرمان قصه به عنوان نکته های مورد قبول آنان واقع می شود و این اعمال را شایسته به کار گیری در رفتار و حرکات خود تلقی می نمایند، به کار گیری این اعمال را نوعی ویژگی و افتخار برای خود می دانند چون ذهن کودکان پاک است. همراهی با قهرمان باعث می شود که صفات و ارزش های وی با روح و جان کودکان آمیخته شود. بندورا معتقد است کودکان با دیدن کسانی که رفتارهای تحسین برانگیز دارند و گوش دادن به حرف های آنان، از طریق پس خوانند، به ارزش اعمال و رفتار خود پی برده و درصدد افزایش سازگاری و کارایی خود در محیط بر می آیند. بدین ترتیب، قصه گویی ابزاری مفید و مؤثر برای اصلاح رفتار، سازگاری، کنترل هیجانات و افزایش مهارت های اجتماعی در کودکان محسوب می شود که باید آن را از سنین پایین و در مهدهای کودک ترویج داد. (گورانی طبلی و همکاران، ۱۳۹۵). قصه به کودک می آموزد که چه طور به تنهایی می تواند شخصیتش رشد کند و به کمال برسد و در واقع بحران هایی مثل بحران عاطفی یا استقلال طلبی یا اجتماعی و حتی فرهنگی را پشت سر بگذارد و از گل و لای خود را بیرون بکشد و اضطراب های درونی اش را در قصه تخلیه کند. قصه ها کودکان را با واژگان، اصطلاحات، نام ها، ضرب المثل ها و غیره آشنا می سازند و از این راه علاوه بر ایفای نقش مهم و جدی در زبان آموزی، فرصت خوبی برای اصلاح لغزش ها و اشکالات زبانی ایجاد می کنند. قصه ها به علت کشش زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارند می توانند بسیاری از مفاهیم را به کودکان منتقل کنند. هم چنین با انتقال مفاهیم به روش غیر مستقیم نه تنها باعث جذب بهتر و سریع تر مفاهیم به ذهن و زبان کودک می شوند بلکه فهم آن را عینی تر و ساده تر می سازند به همین دلیل قصه گویی از مهم ترین و بنیادی ترین روش های غیر مستقیم برای انتقال مفاهیم به دنیای مخاطبان به ویژه کودکان به شمار می آید. مفاهیم ساده، علمی، طبیعی و حتی معنا و مفهوم واژگان را طی قصه و گاه بدون نیاز به توضیح می توان منتقل کرد. (غلامی زارع زاده، ۱۳۹۵).

برخی دیگر از اهداف قصه گویی عبارتند از:

- اهداف انتقال تجارب زندگی به کودکان
- افزایش مهارت گوش دادن
- آشنایی با صفات پسندیده و بیزاری از کارهای ناپسند
- کمک به مهارت زبان آموزی و پرورش قدرت بیان و عواطف و افکار کودکان

- تحریک قوه ابتکار و ابداع در کودکان و ارضاء کردن حس
- کنجکاوی آنها افزایش هوش کودکان
- افزایش دقت و تمرکز، اعتماد به نفس، سرعت عمل و انتقال اطلاعات
- کشف و پرورش استعداد های نهفته.
- توانایی بهره گیری از هوش در بالاترین سطح. (مرادی مخلص و همکاران، ۱۳۹۴).

اهمیت و کارکردهای قصه گویی

قصه گویی پیشینه ای به قدمت تاریخ بشر دارد لافل تا آنجا که زبانی وجود داشته است، گویی علاقه به شنیدن قصه را خداوند در نهاد انسان قرار داده است. اما به راستی چه چیزی در قصه این چنین قدرتمند است که شنونده را در هر سنی مسحور خود می سازد؟ در پاسخ به این پرسش می توان به ابعاد متعدد و متنوعی در ماهیت و کارکردهای قصه گویی توجه کرد. به لحاظ پیشینه ی تاریخی قصه گویی و گوش سپردن به قصه ها همواره جزء یکی از مهم ترین و رایج ترین راه های انتقال تجربه بوده است. خیلی وقت ها قصه های یک قوم همچون گنجینه یا میراثی سینه به سینه به نسل های بعد منتقل شده است. قصه هایی که گاه شنیدن و درک آنها مستلزم کسب شایستگی خاصی بوده است. به لحاظ آموزشی و تربیتی نیز قصه گویی ماهیت و ظرفیتی دارد که مفاهیم در قالب آن به صورتی تأثیر گذار و سازنده به کار می رود. مفاهیمی مثل دوستی، صبر، انصاف، ظلم، دروغگویی و... در قصه ها جان می گیرد و به جریان می افتد این چنین است که این مفاهیم از حالتی مجرد و ذهنی به ماجرای ملموس و عینی تبدیل می شوند و نتایج طبیعی انتخاب های انسان ها را در قالب زندگی ای روایت شده آشکار می سازند. همچنین دنیای واقعی و غیر واقعی قصه ها به شنونده این امکان را می دهد که گونه های مختلف زندگی را تجربه و انتخاب نماید. مخاطب با شروع قصه به دنیای جدیدی قدم می گذارد، با محیط ارتباط برقرار می کند و همراه با قهرمان داستان لحظات، ترس، خشم، اضطراب و عشق را تجربه می نماید و در فضای این تجربه به انتخاب هایی تازه می رسد. بنابراین قصه این امکان را برای ما فراهم می کند که در جهان هایی زندگی کنیم. جهان هایی که نیست اما دوست داریم یا دوست نداریم که باشد. قصه به ما رؤیایی می دهد که در درون مان شور تغییر و دگرگونی ایجاد می کند. از این جهت قصه و قصه گویی می تواند ابزاری عالی برای یادآوری فهم و تثبیت شیوه های صحیح زندگی و نقد شیوه های غلط آن باشد. علاوه بر آنچه گفته شد در ذکر اهمیت قصه می توان به نکات زیر نیز اشاره نمود:

- به لحاظ زبان آموزی دایره لغات کودک با گوش سپردن به قصه غنی تر می شود و از آنجا که او لغات جدید را در زمینه ی یک قصه آموخته است، آنها بهتر در ذهن او ثبت می گردند.
- یکی از مشکلاتی که امروزه بسیاری از کودکان حتی تا بزرگسالی با آن درگیرند، کمبود مهارت های زبانی و عدم توانایی کافی برای توصیف احساسات یا بیان مقصودشان است. قصه می تواند ذهن را به خوبی با احساسات و زبان بیان آنها درگیر کند از این جهت به لحاظ انتقال معانی و ایجاد سهولت و روانی در تکلم و بیان ظرفیت و کاربرد خاصی دارد.

- از جنبه ی زیبا شناسی نیز قصه به صورتی موزون و جذاب با کلمات کار می کند به بیان دیگر لحن کلمات و سبکی که نویسنده یا قصه گو با استفاده از آن کلمات را کنار هم می گذارد می تواند الگویی خوشایند ایجاد کند و حس زیباشناسی کودک را تقویت نماید.
- به لحاظ تربیتی و مهارت آموزی گوش دادن به قصه به ویژه برای کودکان کم سن تجربه ای بسیار خاص و تقریباً معنوی است. این تجربه که اغلب مستلزم توجه کامل می باشد به کودک کمک می کند که معنایی برای زندگی بیابد و با توان و امید بیشتری در این جهان زندگی کند. او با شخصیت های قصه هم ذات پنداری می کند و آنها را با موقعیت ها و انتخاب های خود مقایسه می کند بدین ترتیب قصه به ابزاری قوی جهت آموزش مفاهیم اخلاقی و مهارت های زندگی تبدیل می شود.
- در حوزه ی آموزش روابط اجتماعی نیز قصه گویی هنر گوش سپردن را به کودکان می آموزد هنری که سر آغاز گفتگو درک متقابل و برقراری ارتباط با دیگران است.
- قصه گویی تأثیر زیادی در ترویج کتاب خوانی دارد به عنوان مثال وقتی قصه گو کتابی که قصه از آن انتخاب شده است را معرفی می کند، از نویسنده و کارهای دیگر او سخن می گوید یا اشاره ای به بعضی داستان های مشابه یا مکمل می نماید و همین طور آنگاه که از صدها قصه ی حیرت انگیز دیگری که می توان در بقیه ی کتابها پیدا کرد تعریف می کند شوق خواندن کتاب را در کودکان بر می انگیزد.
- قصه گویی در رشد عاطفی و پرورش همدلی کودکان نقشی اساسی ایفا می کند. در عمل کودک با شنیدن قصه تصویر سازی ذهنی را تمرین می کند او هم زمان با شنیدن قصه صحنه ها و شخصیت های آن را در ذهنش خلق می نماید. کسب این مهارت توانایی فهم و تجسم احساسات دیگران را او تقویت می کند. پرورش همدردی و انسان دوستی در کودک یعنی پرورش توانایی اعجاب آور انسان در آشفته شدن از بدبختی دیگری و خوشحال شدن از شادی دیگری و تجربه کردن سرنوشت شخص دیگر به عنوان سرنوشت خود یکی از اهداف مهم قصه گویی است.
- قصه گویی می تواند کودکان را برای شناخت شخصیت های گوناگون و واکنش مناسب در مقابل آنها توانمند سازد. در قصه کودک با همه گونه مردمی آشنا می شود هر چند شخصیت های قصه های عامیانه میل به تک بعدی بودن دارند که این امر نیز تشخیص خیر و شر و دیگر ویژگی های متضاد را برای کودک کم سال آسان تر می کند اما در همین قصه ها هم وجود شخصیت های متنوع، زیبا و زشت، خردمند و ابله، بی ریا و حیله گر طیف گسترده از احساسات، همچون، حسادت، عشق، تنفر، قناعت، حرص، خشم و همدردی به کودک امکان شناخت و تجربه شخصیت ها و احساسات را می دهد.
- از لحاظ تربیتی قصه گویی می تواند بیش از هر نوع موعظه و سخنوری تأثیر گذار باشد چنان که در طول تاریخ قصه گویی به همان خوبی که بر سرگرم کردن کودکان مورد استفاده واقع شده برای تربیت آنان نیز به کار رفته است. پیام های تربیتی قصه چون در قالبی نزدیک به زندگی می شود و از نظر کودک شبیه موعظه و نصیحت نیست برای او پذیرفتنی تر و قابل باور می گردد.
- قصه گویی به فهم ما از دیگران و عقاید شان کمک می کند قصه به مخاطبین خود درباره ی زندگی و ارزش های شبیه یا متفاوت مردم نقاط مختلف جهان در اعصار مختلف درکی عمیق تر می بخشد.
- قصه گویی را می توان بدون وسیله یا مقدماتی پیچیده در هر محیطی اجرا کرد شاید همین ظرفیت مثبت باشد که موجب فراگیری و جهان شمول قصه گویی شده است.

• قصه گویی می تواند زمینه ای برای ایجاد رابطه ای گرم و صمیمی میان افراد خانواده، تحکیم روابط خانوادگی و حل مسائل خانواده فراهم کند. (آدینه پور، ۱۳۷۸).

قصه گویی خلاق و اهمیت و ضرورت احیای آن

منظور از قصه گویی خلاق این است که کودک ضمن شنیدن قصه خود نیز به شکل فعالی در ایجاد قصه یا قصه هایی بر اساس افسانه گفته شده نقش فعالی داشته باشد. برای اجرای تقویت خلاقیت کودکان هنگام قصه گویی میتوان از شیوه های زیر استفاده کرد:

۱- اجرای نمایشی قصه ها یعنی این که کودکان پس از شنیدن قصه ها خودشان به صورت داوطلبانه به گروه های مختلفی تقسیم شوند و هر کدام از آنها نقش یکی از شخصیت های آن قصه را برای دیگران نمایش دهند.

۲- نوشتن قصه تازه بر اساس درونمایه و تم قصه بیان شده، گوینده قصه میتوان کودکان را با مضمون و تم قصه آشنا کند و سپس از آنها بخواهد تا بر اساس این درونمایه قصه ای بسازد.

۳- ناتمام گذاشتن قصه و خواستن از کودکان برای تمام کردن آن، قصه گو میتواند قصه را ناتمام بگذارد و از شنوندگان بخواهد تا بر اساس تخیل خود قصه را به پایان برسانند.

۴- ساختن قصه هایی بر اساس قصه های قدیمی با توجه به شرایط امروز پس از گفته شدن قصه، قصه گو می تواند از کودکان بخواهد ضمن نوشتن تفاوت در شرایط زندگی بیان شده در قصه و شرایط زندگی، امروزه، قصه تازه ای بنویسد که مسائل مطرح آن با شرایط زندگی امروزی هماهنگ باشد.

۵- نقاشی کردن قصه ها، از کودکان میتوان خواست که مهم ترین حادثه قصه را نقاشی کنند تا آنها هم به قصه خوب گوش دهند و هم بتوانند با به کار گیری تخیل، خود ذهن خود را از حالت منفعل بودن در برابر قصه خارج کنند.

۵- بازگویی داستان به وسیله کودکان در این شیوه از کودکان خواسته میشود تا قصه ای را که شنیده اند دوباره برای دوستان خود تکرار بکنند، کودکان میتوانند با پاسخ دادن به پرسش های معلم و دیگر کودکان یا داستان گویی به وسیله دانش آموزان به بازگویی داستان بپردازند. این کار به کودکان کمک میکند تا بهتر بتوانند افکار و عواطف خود را بیان کنند.

از جمله ضرورت های احیای قصه گویی خلاق و اهمیت آن میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

-آشنایی کودکان با موارث فرهنگی و مذهبی گذشته؛

-تقویت عادت خواندن در افراد؛

-آموزش به کودکان درباره ی داستان نویسی؛

-بالا بردن نیروی تخیل کودکان؛

-آشنا کردن کودکان با انواع قصه ها و قالب های ادبی. (ظاهری عبده وند و یدالهی، ۱۳۹۳).

نقش قصه ها در انتقال مفاهیم

قصه ها می توانند مجموعه ای از مفاهیم پیچیده علمی را به مخاطب منتقل کنند بدون این که سن یادگیرنده، موضوع آموزشی با سطح یادگیری، کاربرد آنها را محدود سازد. داستان گویی به عنوان یک روش آموزشی مفید و مؤثر از گذشته های دور تا کنون به کار رفته است. چگونه قصه باعث انتقال اطلاعات و افزایش آگاهی مخاطبان می شود؟ با ذکر مثال هایی به شرح چگونگی این امر می پردازیم.

۱. در قصه قوز بالا قوز، دو پسر هستند. یکی خوش اخلاق و دیگری بد اخلاق. پسر خوش اخلاق وقتی بزرگ می شود سلامتی اش را باز می یابد اما پسر بد اخلاق دو قوزه می شود. هدف اصلی آموزشی در این قصه تأکید بر اهمیت خلق خوش و برخورد محترمانه و مودبانه با دیگران است. با شنیدن این قصه پرسش های ضمنی در ذهن مطرح می شود قوز چیست؟ پشته ساختمانی دارد؟ حتی وقتی گوینده قصه پاسخ روشنی به این پرسش ها ندهد گرایش در جهت فم زیست شناسی و پزشکی و زمینه ای برای مطالعات بیشتر فراهم می شود.

۲. قصه زال در شاهنامه فردوسی به زندگی پسری می پردازد که از کودکی همه ی موها و مژه ها و ابروهایش سفید است. پدر از تولد او شرمسار است و او را رها می کند. سیمرغ او را پرورش می دهد و باقی ماجرا قصه بسیار آموزنده و عمیق است چون درختی پر ثمر در ذهن شنونده ریشه می دواند. پرسش های بسیار در ذهن بر می انگیزد؛ چرا موهای زال سفید بود؟ امروز می دانیم که آلبنیسم یک بیماری ارثی است که در آن ژن ها مسئول ساختن رنگدانه پوست و مو معیوب هستند.

۳. قصه حسن کچل در فرهنگ ما به دو صورت عمده نقل می شود. یکی حسن کچلی که زرنگ است و به جنگ دیو می رود و شیشه عمر او می شکند و چهل گیس را نجات می دهد و باقی ماجرا و یکی حسن کچلی که تنبل است و از خانه خارج نمی شود و مادرش آرزو دارد که او سر کار برود و تمهیداتی می اندیشد و باقی ماجرا.

قصه، زبان مشترک انسان هاست که با الفبا های مختلفی نوشته یا گفته شده است اما واژه های مفهومی و دریافت های حسی مشابه دارد به همین دلیل وقتی قصه ای با زبان کلیدی از قصه گویی با ملیت دیگر نقل می شود مخاطبان متأثر می شوند و هر قدر قصه گو، آنجا که حتی معانی واژگانی ترجمه شود، روح و مفهوم قصه دریافت می گردد و مخاطب حظ و لذت کافی می برد زیرا وجوه مشترک احساس بشری در قصه ها و با قصه گوینان عجین شده است. آنها آدم های بی ساعتی هستند که زمان ارتباط با کلمات را پیوند داده اند و هر گاه فرصت یافته اند با نقل قصه ای و آینه زندگی او شده اند تا با انعکاس طبیعت، حوادث و رویدادها و ارتباط ما او را و کاوی کنند، به تکاپو و دارند و به دیروز و امروز و فردا بکشاند. کلمات و عقربه های ساعت قصه گوینان هستند که زمان را به دورترین روزگاران می برند و در روزی روزگاری بودن متوقف کنند تا ذهن شنونده را از لحظه حال جدا کنند و فرصت «فهم دوباره» را به او بدهند تا با قصه زندگی تازه ای را آغاز کنند. چنین تدبیری قصه را به واسطه آموزش تربیتی و شیوه ای متأثر در خلق ارزش ها و اخلاقیات تبدیل کند. توقف عقربه های ساعت با نگاه قصه گو به نقطه ای ثابت که رویدادی مهیج در آن اتفاق می افتد فرصت دیگری است که قصه گو برای مخاطب فراهم می آورد تا او را از «هوای سکون» خارج کند و به «هواهای تازه» نزدیک سازد تا در هوایی دیگر ادراک و فهم دوباره ای از زندگی را دریابد و به استقبال روزهایی برود که فرصت های دوباره هستند. توقف عقربه های ساعت با تکرار و تکرار دوباره واژه ها و جمله ها و تأکید ها محقق می گردد تا به ذهن و مخاطب فرصت تدبیر و تأمل بدهد و بر زبان او نیز چنین تکرار واژگانی جاری گردد. برای بیانی تازه و جدید در فهم قصه گویی نیاز به مطالعه کتب مختلف داشته که هر چه قدر بیشتر از کتاب های موجود در کانون استفاده شود نتیجه بهتری عاید می گردد و کلام قصه گو از احساس بهتر و قابل لمس تری برخوردار است؛ اخیراً به خاطر

جشنواره های جدید و تازه ای که با موضوعات مختلفی نظیر رضوی عاشورایی، فصل بهار و... برگزار می گردد. مربیان و اعضاء با تشویق و ترغیب بیشتری خود را در مقوله های ذکر شده محک می زنند. (صیادی زاده، ۱۳۹۷).

فایده قصه گویی برای کودکان

داستان ها علاوه بر سرگرم کننده بودن، مزایای بی شماری برای کودکان دارند و به رشد شخصیت آنها کمک می کنند. چه در حال خواندن کتاب داستان، چه بیان تجربه شخصی یا باز آفرینی طرح داستان مورد علاقه آنها باشید، قصه گویی شما می تواند تأثیر ماندگاری روی رشد و پرورش آنها بگذارد. در ادامه به چند مزیت دیگر قصه گویی در دوران کودکی خواهیم پرداخت:

۱. به کودکان خوبی و فضایل اخلاقی را القا می کند: داستان ها می توانند تأثیر بسزایی روی کودکان داشته باشند. صداقت، راست گویی، قدردانی و بسیاری از ویژگی های یک کودک مودب را می توان از طریق داستان های جذاب در کودکان نهادینه کرد.

۲. با فرهنگ های دیگر آشنا می شود: از داستان ها می توان برای حفظ ارتباط کودکان با اصالت خود و آگاهی از تاریخ و سنت هایشان استفاده کرد. داستان ها، مانند فرهنگ ها از سرزمینی به سرزمین دیگر متفاوت است. داستان هایی از سرزمین مادری و سرزمین های خارجی باعث می شود کودک با تنوع موجود در جهان آشنا شود.

۳. مهارت شنیداری را بهبود می بخشد: برای لذت بردن کامل از داستان، باید به راوی توجه کرد تا چیزی از قلم نیفتد. یک جلسه خوب قصه گویی می تواند مهارت شنیداری کودک را بهبود ببخشد.

۴. کنجکاوی را بر می انگیزد: وقتی یک داستان را در اوج متوقف می کنیم، شنونده مشتاق می شود تا بداند بعد از این چه اتفاقی می افتد. این باعث کنجکاوی کودکان شده و آن ها را ترغیب می کند تا سوالات خود را مطرح کنند که همین امر به یادگیری، رشد و پیشرفت آن ها کمک خواهد کرد.

۵. تخیل را بر می انگیزد: کنجکاوی یک چیز است و خیال پردازی چیز دیگر. داستانی که خوب روایت شده شما را به نقاط مختلف جهان اعم از جهان واقعی یا افسانه ای می برد. داستان هایی با درون مایه ای افسانه ای و جادو به بهبود تخیل و خلاقیت کودک کمک می کند.

۶. تمرکز را بهبود می بخشد: گوش دادن به داستان ها به افزایش سطح توجه و تمرکز کودک کمک می کند.

۷. واژگان جدید را معرفی می‌کند: هر بار که داستانی را روایت می‌کنید، اصطلاحات جدیدی را بکار می‌برید که کودک آنها را می‌آموزد و سعی می‌کند معانی این کلمات نا آشنا را درک کند و به او در گسترش دایره لغات کمک می‌کند.

۸. فرآیند یادگیری را تقویت می‌کند: داستان‌ها شیوه‌ای منحصر به فرد برای بهبود فرایند یادگیری هم در سطح علمی و هم شخصی دارند. قصه گویی می‌تواند کودکان را درگیر یک فرایند یادگیری خلاقانه کند که به کمک آن درک سخت‌ترین موضوعات هم آسان می‌شود.

۹. باعث رشد هوش هیجانی می‌شود: هوش عاطفی (هیجانی) کلید موفقیت در مراحل مختلف زندگی انسان است. ایجاد هوش هیجانی به آگاهی و کنترل احساسات و بیانات فرد اشاره دارد. داستان‌ها به کودک شما در دستیابی به هوش هیجانی به شیوه‌ای ساده کمک می‌کنند.

۱۰. همدلی را آموزش می‌دهد: توانایی فکر کردن به دیگران، خود را جای آن‌ها گذاشتن و درک احساساتشان از ما فرد بهتری می‌سازد. داستان‌ها می‌توانند به کودک شما بیاموزند که نسبت به دیگران همدلی بیشتری داشته و به نیازهایشان بی‌تفاوت نباشد.

۱۱. ارتباطات را بهبود می‌بخشد: وقتی تخیل و تفکر خوبی داشته باشید در ارتباط تان هم منعکس می‌شود. شنیدن و درک داستان‌ها می‌تواند موجب تقویت ارتباطات و اجتماعی شدن کودک شود.

۱۲. استرس و اضطراب را کاهش می‌دهد: داستانها نه تنها سرگرم کننده هستند، بلکه کودک شما را مجذوب خود می‌کنند؛ زیر او را به جهان‌های مختلف در قلمرو خیالی می‌برند. گوش دادن به چنین داستان‌های لذت بخشی و تجربه جادو و خیال در ذهن می‌تواند استرس و اضطراب کودک را کم کند.

۱۳. حافظه را تقویت می‌کند: چه یک داستان طولانی باشد یا کوتاه، بچه‌ها تمایل دارند تا جایی که می‌توانند طرح داستان، شخصیت‌ها و سایر جنبه‌های آن را به خاطر بسپارند. این برای مهارت‌های حافظه کودک خوب است.

۱۴. یادگیری درس‌های مدرسه را آسان‌تر می‌کند: برخی از موضوعات مدرسه ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با داستان‌های مختلف دارند. این ارتباط یکی از چندین راهی است که به کمک آن داستان می‌تواند یادگیری تحصیلی در کودکان را بهبود داد. توانایی تفکر خلاق که با گوش دادن به داستانها ایجاد می‌شود، روی یادگیری تحصیلی تاثیرگذار است.

۱۵. آن‌ها را به داستان‌نویسی تشویق می‌کند: گوش دادن به داستان‌های جذاب ممکن است کودکان را تشویق کند که روزی داستان خود را بنویسند یا خودشان قصه گو شوند. (شکوفه فرد، ۱۴۰۱).

فایده های قصه گویی که باعث رشد و شخصیت کودکان می شود:

۱- قصه گویی خوب ها را در کودک درونی می‌کند: کودکان هر کجای دنیا دوست دارند به داستان‌ها گوش بدهند. آنها دوست دارند بیشتر و بیشتر درباره شخصیت‌های مورد علاقه شان بدانند و اغلب سعی میکنند شبیه آنها رفتار کنند شما با تعریف کردن داستان هایی که پیام معناداری دارند میتوانید به راحتی صفاتی همچون خردمندی، شجاعت، صداقت و ... را از همان سنین کودکی در کودک درونی کنید.

۲- قصه گویی باعث میشود کودکان درباره فرهنگ و ریشه های خود بیشتر بدانند: یک فایده قصه گفتن برای کودک آشنایی او با آداب و رسوم و ریشه های فرهنگی است تعریف کردن داستان‌هایی درباره کودکی خودتان و صحبت کردن در مورد اتفاقات خوب گذشته باعث میشود کودک درباره فرهنگ و مراسم مختلف خانوادگی تان بیشتر بداند. تعریف کردن داستان درباره اعضای مختلف خانواده باعث میشود کودک درباره آنها بیشتر بداند و نیاکان خود را بهتر بشناسد.

۳. قصه گفتن مهارت‌های کلامی کودک را تقویت می‌کند: قصه گویی باعث میشود کودک با زبان آشناتر شود و همچنین در یک روند، منظم کلمات و جملات بیشتری یاد بگیرد. این کار باعث میشود کودک در تلفظ و بیان کلمات نیز ماهرتر شود.

۴. قصه گویی مهارت‌های شنیداری را تقویت میکند: اغلب کودکان توانایی تمرکز کوتاه مدتی دارند و متمرکز ماندن روی چیزی برایشان مشکل است آنها دوست دارند بیش از گوش دادن حرف بزنند. قصه گفتن نه تنها باعث میشود تمرکز کودک بیشتر شود، بلکه شرایطی فراهم میکند که کودک به گوش دادن و فهمیدن علاقه مندتر شود.

۵. قصه گویی خلاقیت و قدرت تخیل کودک را تقویت میکند: گوش دادن به داستان به کودک کمک میکند تا به جای تماشای یک چیز خاص و واحد روی صفحه تلویزیون خودش درباره شخصیت های داستان، مکان های مختلف و نیز طرح داستان خیال پردازی کند. این کار باعث تقویت خلاقیت و تخیل کودک میشود که نهایتا او را نسبت به ایده های مختلف آزاداندیش تر بار می‌آورد.

۶. قصه گویی ابزاری قدرتمند برای تقویت حافظه است: دیگر فایده قصه گفتن برای کودک این است که شما با استفاده از ایده های خلاقانه میتوانید از این فعالیت برای کمک به تقویت حافظه او کمک بگیرید میتوانید چند روز بعد از تعریف کردن داستان از او بخواهید دوباره داستان را برایتان تعریف کند میتوانید از او بخواهید داستان را تا بخش مشخصی از آن تعریف کند در کل این روش، برای تقویت حافظه در عین تشویق به متمرکز ماندن جذاب است.

۷. قصه گویی افق های گسترده تری پیش روی کودک قرار میدهد: ممکن است کودکان همیشه فرصت روبه رو شدن با فرهنگ های مختلف یا دیدن کشورهای گوناگون را نداشته باشند شما با کمک دنیای قصه ها میتوانید آنها را با مکان‌های مختلف و فرهنگ‌های متنوع سراسر دنیا آشنا کنید. برای این منظور از داستان‌هایی از کشورهای مختلف جهان استفاده کنید تا درک آنها را از دنیا گسترده تر کنید.

۸. قصه گویی تحصیلات آکادمیک را تسهیل میکند: قصه گفتن برای، کودک گام اول موفقیت در تحصیلات آکادمیک او در آینده است. بسیاری از کودکان عادت دارند بدون اینکه مطالب را بفهمند آنها را طوطی وار یاد بگیرند قصه گویی منظم باعث میشود کودک شما آنچه میخواند را بیشتر و بهتر درک کند این کار به یادگیری مطالب درسی نیز کمک میکند گاهی آموزش یک مبحث درسی به عنوان داستانی جالب میتواند به درک بهتر کودک و برانگیختن کنجکاوی اش کمک کند.

۹. قصه گویی به بهبود ارتباطات کمک میکند: گاهی کودکان با وجود کنجکاوی زیادی که درباره موضوعی دارند، از پرسیدن سوال میترسند قصه گویی هنر پرسیدن سوالات درست را در کودکان تقویت می کند این روش همچنین مهارت ارتباط برقرار کردن آنان را تقویت میکند و اعتماد به نفس شان را بالاتر میبرد. قصه گویی و گوش دادن منظم، کودکان را تبدیل به سخنرانان توانمند تری نیز میکند.

۱۰. قصه گویی به مواجهه آسانتر کودک با شرایط دشوار کمک میکند: شرایط دشوار اغلب حس سردرگمی در کودکان ایجاد میکند. شنیدن داستان شخصیت های مختلفی که با شرایط دشوار روبه رو شده اند میتواند به درک بهتر این موضوع کمک کند. داستان هایی را انتخاب کنید که به کودکان یاد میدهد همان طور که شادی و لذت بخشی از زندگی است درد و رنج هم یک قسمت از زندگی است. داستان های واقعی میتواند به کودک کمک کند برای مواجهه با زندگی و شرایط مختلف آن آماده تر باشد. (علی میرزایی، ۱۳۹۶).

ساده ترین روش های تقویت قصه گویی در کودکان

یکی از ساده ترین روش های قصه گویی بسط و گسترش حکایت هاست. شایسته است در آغاز راه به کودکان در انتخاب حکایت های کوتاه روان و چند خطی کمک کنیم. آنان حکایت کوتاه را میخوانند و برداشت خود را به زبان ساده بیان میکنند و به حکایت جدیدی که خود خالق آن هستند سر و شکل میدهند به آن پر و بال میدهند، شخصیت های آنان را پررنگ تر میکنند فضایی را که حکایت در آن اتفاق افتاده است تجسم میکنند و با توجه به خط فکری اصلی حکایت آن را پرورده میسازند در صورتی که کودکان به حکایت خود علاقه مند شوند آن را برای مخاطبان متفاوت روایت میکنند و هر بار نکته ای بر آن میافزایند و توانایی خلق صحنه های جدید در آنان رشد می یابد. یکی دیگر از روش های پرورش قصه گویی در کودکان استفاده از منابع غنی و ارزشمند ضرب المثل های ایرانی است. یادگیری ضرب المثل ها تأثیر شگرفی بر افزایش توان سخنوری و قدرت نویسندگی دارد. اگرچه اغلب ضرب المثل ها در ظاهر کوتاه اند و اغلب در حد یک عبارت یا یک بیت شعر بیش نیستند اما از معنا سرشارند و جهانی در پس خود دارند. از این جهت بهره گیری از آنها شگردی دیگر در اثر بخشی ذهن و زبان است. هدف این است که کودکان از دریچه چشم خود به ضرب المثل ها نگاه کنند و به باز آفرینی و بازسازی قصه ای نو از دل آن بپردازند. قصه گویی و قصه نویسی بسیاری از اهداف دوره ابتدایی را محقق میکند از جمله این اهداف میتوان به کنجکاوی ساختن کودکان نسبت به شناخت، پدیده ها تقویت مهارت شنیدن، هدفمند ساختن خواندن و نوشتن، افزایش توانایی بیان مقصود و نیز زمینه سازی برای آشنایی بیشتر با برخی از آثار معروف ادبی و شناخت بیشتر سنت ها و آداب و رسوم اقوام اشاره کرد. این اهداف در نهایت موجب هدایت صحیح کودکان در مسیر افزایش خودباوری و خود شکوفایی میگردد. به منظور تقویت داستان خوانی داستان گویی و داستان نویسی می توان از روش های دیگری از جمله روش های زیر بهره جست:

•داستان های مشارکتی

به منظور افزایش علاقه مندی کودکان پایه اول و دوم که هنوز توانایی خواندن و نوشتن آنان کم است، میتوان از داستان های مشارکتی بهره گرفت، در این نوع داستان ها پدر و مادر یا پدربزرگ و مادربزرگ و یا فرزندان بزرگتر داستانی را آغاز می کنند و کودک که هنوز در پایه اول یا دوم است و به خواندن قصه به طور کامل مسلط نیست ادامه داستان را روایت میکند.

•کتابخانه گویا

طرح کتابخانه گویا را میتوان یک بار در سال و به صورت هدفمند در حیات مدرسه اجرا کرد به این ترتیب که تعدادی دانش آموز داوطلب و علاقه مند توسط معلم انتخاب میشوند و در روزی مقرر در (ساعت تفریح) در محلی به نام «کتابخانه گویا» روی یک ردیف صندلی مینشینند. روی میزهایی که مقابل آنان است کتاب هایی که آماده روایت شدن هستند قرار می گیرد. آنگاه دانش آموزان علاقه مند به شنیدن داستان به صورت انفرادی یا گروهی مقابل هر یک از کتابهایی که به آن علاقه مند هستند قرار میگیرند و داستان مورد علاقه خود را می شنوند.

•کتابخانه مجازی

ایجاد امکان استفاده از کتابخانه های مجازی برای کودکان و انتخاب فایل شنیداری کتاب های منتخب یا برنامه های رادیویی و پخش این فایل ها در کلاس یا خارج از کلاس.

•دادن تکالیف نوشتاری به بچه ها با موضوعات گزارش دید و بازدید، سفر فعالیت علمی گردش علمی و آداب و رسوم مناطق مختلف و...

•اهمیت دادن به نگارش خاطرات کودکان در قالب داستان.

•ایجاد فرصت هایی برای دانش آموزان برای تهیه مصاحبه و گزارش از نویسندگان فیلم سازان و افراد مورد علاقه آنان.

• ارائه داستان مصور یا کمیک استریپ به کودکان به عنوان تکلیف؛ داستان مصور مجموعه ای از نقاشی های دنباله دار است که ماجرای را روایت می کند این نوع داستان را معمولاً یک تیم دو نفره که یکی داستان را مینویسد و دیگری تصویرگری می کند، می سازند.

• اجرا و ضبط نمایشنامه توسط دانش آموزان.(سجودی،۱۳۹۷).

تأثیر قصه در تعلیم و تربیت

قصه ها و افسانه ها علاوه بر قصد سرگرمی، اهداف ویژگی هایی را دنبال میکنند که آموزش از طریق قصه و قصه گویی یکی از این اهداف است. انسان به عنوان موجودی اجتماعی از بدو تولد ملزم به آموختن است. در واقع انسان موجودی است آموزنده که در طول زندگی از راه هایی مستقیم یا غیرمستقیم آموزش می بیند. آموزش های انسانی از بدو تولد آغاز میشوند و تا هنگام مرگ ادامه می یابند. اگرچه انسان ها در هنگام تولد از همسانی تقریبی برخوردارند، اما به تدریج با کوشش در آموختن تفاوت های انسانی پدید می آید و در این صحنه آنکه بیشتر آموخت احتمالاً خوشبخت تر زندگی خواهد کرد. از روزگاران گذشته آموزش کودکان دل مشغولی جوامع و والدین بوده و بدین دلیل قسمت زیادی از کوشش های جوامع صرف آموزش

کودکان و نوجوانان و جوانان و بزرگسالان شده است. نوع آموزش در فرهنگ های گوناگون با توجه به شرایط اقلیمی اجتماعی، صنعتی، بازرگانی و از همه مهم تر جهان بینی های حاکم بر استقرار ارزشهای گوناگون با هم متفاوت است. اما همگی بر ضرورت و فایده ی آموزش برای کودکان تأکید دارند. ضرورت و فایده ی آموزش به ویژه در قرن بیستم و دهه های اخیر که به قرن کودک سالاری معروف شده بسیار چشمگیر است. قصه های اخلاقی که ارزش ها را به صورتی غیر مستقیم در معرض دید کودک قرار می دهند و با نتیجه گیری خاص خود ارزش های موردنظر را به کودک القا می کنند، از زمره ی آموزش های ضروری اما غیر مستقیم هستند. محدوده ی آموزش کودک از طریق قصه ها به آموزش های اخلاقی محدود نمیشود بلکه امکان آموزش های علمی از طریق قصه برای کودکان نوجوانان و جوانان نیز موجود است. (شجاعی، ۱۳۹۶).

تأثیرات قصه گویی بر یادگیری

با خواندن قصه و بازگویی، آن نیروی تکلم و بیان کودک رشد پیدا می کند و بر دایره لغات و اطلاعاتش افزوده می شود کودک با خواندن و یا گوش سپردن به قصه بر توجه و دقتش به پیرامون خود می افزاید و درباره هر موضوع و پدیده ای فکر می کند، او از این راه مهارتهایی مثل خوب دیدن خوب شنیدن و پرسیدن و به دنبال پاسخ بودن را به دست می آورد. قصه مناسب تخیل کودک را تقویت می کند و به تجربه های او می افزاید به او لذت می دهد و او را به خواندن علاقه مند می کند. قصه باعث نزدیک شدن اعضای خانواده به یکدیگر است در اینجا خواندن برای کودک به یک جریان اجتماعی تبدیل می شود زیرا او در معرض اطلاعات گوناگون در مورد جامعه، مردم و رویدادهای اجتماعی قرار می گیرد وقتی والدین برای او کتاب می خوانند در واقع به او الگو می دهند. وقتی کودک خواندن را یاد گرفت و برای خواهر و یا برادر کوچک تر خود قصه گفت حس اعتماد به نفس در او تقویت می شود. قصه نیروی تخیل کودک را تغذیه می کند. این گونه داستان ها به مهم ترین پرسش های کودک پاسخ می دهند و عامل مؤثر و مهمی در تربیت اجتماعی آنها هستند. کودکان از آنجا که هنوز گسترده هایی در شناخت دنیا ندارند سعی می کنند با ارتباط دادن بین آموخته های قبلی و موضوع های جدید به تعامل ذهن خود کمک کنند این روند معمولاً با تخیل کودک عجین می شود و او را یاری می کند که با منطق خود به کشف و شناخت دنیا اقدام کند و بر اساس چنین روندی است که از قصه های تخیلی لذت می برند و از آنها بهره برداری می کنند. قصه به شیوه های گوناگون باعث رشد عاطفی کودکان می شود قصه های تخیلی آنها را به تأمل و اندیشه درباره آینده و می دارد. داستان های واقع گرای نو کودکان را نسبت به شناخت انسان امروزی و رابطه اش با محیط زیست کنجاو می کند. کودک به کمک قصه با شیوه برخورد انسان با دشواری های زندگی خود آشنا می شود و از شخصیت های داستان آن ها می آموزد، چگونه گرفتاری های مشابه را رفع و احساس دیگران را درک کند. کودکان نسبت به آنچه می شنوند واکنش نشان می دهند، واکنش کودکان نسبت به قصه از پیدایش و پیشرفت عوامل متفاوتی تأثیر می پذیرد. رشد و پرورش زبانی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی در کودکان به شیوه برداشت آنها از یک قصه تأثیر می پذیرد. قصه ها پیام ها و ارزش هایی را به مخاطب متصل می کنند که کودک در اثر شنیدن، تکرار شنیدن و حتی فکر کردن به قصه می تواند این پیام ها را جذب کند و ارزش های خانوادگی، اجتماعی، انسانی را بگیرد. غیر مستقیم بودن این پیام ها موجب می شود که برای کودک دلنشین تر و جذاب تر و دوست داشتنی تر شود همچنین قصه قدرت تمرکز و دقت کودکان را افزایش می دهد کودکان در اثر شنیدن این توانایی را به دست می آورند تا بتوانند شنیدن فعال را تجربه کنند آنها حتی برای این که بتوانند ماجرا را دنبال کنند ضروری است که دقت و تمرکز لازم را برای خوب شنیدن تمرین کنند. قصه ها می توانند به کودکان یاد بدهند که چگونه روی کار تمرکز کنند و با دقت آن کار را

پیش ببرند. برای منظم شدن و فعال شدن کودکان در امور مهم قصه گویی یک آموزش جذاب است. (مرادی مخلص و همکاران، ۱۳۹۴).

کارهای معلم در کلاس برای قصه گویی

۱. بشر به طور ناخودآگاه از خواندن و شنیدن وقایع علت و معلولی لذت می برد و بخش عمده ای از جذابیت آثار هنری ارضای چنین احساسی است. نخستین هدف داستان باید پاسخی برای نیاز بشر به ماجراجویی باشد؛ بنابراین معلم باید به گونه ای تدریس کند که نکات مهم و اهداف را شامل شود.

۲. با توجه به نکات پند آموز و اخلاقی نهفته در استفاده از قصه گویی در تدریس، این شیوه نه تنها برای دانش آموزان بلکه برای معلمی هم که از آن در تدریس استفاده می کند می تواند جذابیت های زیادی داشته باشد و در بعضی موارد به شکلی نوستالژیک تجربه های زندگی را به یاد او بیاورد.

۳. معلم می تواند در دفتر خود نام کلاس هایی را که در آن ها به قصه گویی پرداخته است، ثبت کند تا دچار دوباره گویی و تکرار نشود.

۴. نیز واکنش های مخاطبانش را به قصه ای که گفته است، ثبت کند و از مجموعه این اطلاعات برای بیان هر چه بهتر همان قصه و قصه های دیگر بهره بگیرد.

۵. معلم می تواند از دانش آموزان برای تدریس کمک بگیرد و از آن ها بخواهد که قصه ها را تعریف کنند. به این ترتیب، زمینه ای فراهم می شود که آن ها با برقراری ارتباط بین سخن گفتن و بیان احساسات، شیوه های ارتباط با دیگران را تمرین کنند. قصه ها عامل انتقال میراث فرهنگی و پیوند میان امروز و گذشته اند. بچه ها با شنیدن قصه به آرمان ها، آرزوها، رنج ها و شادی ها، باورها و نوع زندگی گذشتگان پی خواهند برد. گویی این موارد پلی هستند که بچه های امروز را به ژرفای گذشته می برند و نوعی آموزش تاریخی نیز محسوب می شوند؛ زیرا از لابه لای قصه ها تصویری از گذشته فرا روی خواننده یا شنونده قرار می گیرد.

۶. با استفاده از این شیوه، مهارت های اجتماعی و توانایی حل مسئله در دانش آموز افزایش می یابد. درک دانش آموزان نسبت به جهان تغییر می کند و آن ها درست اندیشیدن را می آموزند. (سلیقه دار، ۱۳۹۹).

شعر چیست: شاعر کیست؟!

در بسیاری از تعاریف شعر را «اتفاقی در زبان» می دانند. آیا شعر کودک نیز می تواند گونه ای اتفاق در زبان به حساب آید یا از گونه ای دیگر است؟

«دیوید مک کورد» در مقاله خود به عنوان «شعر برای کودکان» که بخش زیادی از آن ذکر خاطرات دوران کودکی و برخورد وی با شعر در آن دوران است می نویسد: دلم می خواهد تعدادی از قوانین و اصولی را که در پیشبرد نوشته های من مؤثر بودند بیان کنم هر چند ممکن است این موارد بی اهمیت جلوه کنند ولی هر گاه می خواستم برای کودکان شعر بگویم، همه چیز تحت کنترل آنها بود. اول از همه پیش از آن که بزرگ باشی تلاش کن که کودک باشی و اجازه نده هیچ چیز در این فرایند دخالت کند. آن چه می نویسی از خودت و برای خودت بنویس توصیه دوم این که هرگز عبارت نوشتن شعر برای کودکان را جدی نگیر، زیرا اگر برای آنها بنویسی خودت را گم میکنی؛ از کامپیوتر ذهنت سؤال کن که درباره دنیای ذهنی یک کودک چه می داند، جواب این است «هیچ» تو حتی نمی توانی وانمود کنی که می فهمی آنان در مورد دنیای جدید چگونه فکر می کنند؛ آنها آن را با گذشته مقایسه نمی کنند؛ این تنها دنیایی است که آنان می شناسند. هرگز فکر نکن تو در حال تماشای کودکان هستی بلکه مطمئن باش آنها در حال تماشای تو هستند به مخاطبان خود اطمینان بده که آنها اجازه ورود به دنیای تاریک و آرامش بهت انگیز تو را دارند اما تو اجازه ورود به دنیای آنان را نداری. همان طور که گفته ام برای خودت و از کودکی خودت بنویس. این اولین اصل است. هرگز نگو جایی یک دختر یا پسر کوچک هست و من چیزی خواهم نوشت که می دانم آنها را سرگرم خواهد کرد؛ یا من فکر می کنم چیزی را که آنها انجام دادند و یا در حال انجام آن بودند دیدم یا شنیدم و این چیزی است که آنها دوست دارند بشنوند در این صورت هرگز یک شاعر کودک نخواهی بود. سرودن شعر برای کودکان باید به طور جدی یک «اتفاق» در زندگی شاعر باشد. این جمله امرسون را به یاد بیاور که می گوید هر واژه ای زمانی یک شعر بود. در این مورد جایی برای مجادله نیست. آسمان، باد، دریا، زمین، دره، کوه، رودخانه، ابر، درخت، پرند همه اینها واژه های ساده ای هستند؛ اما حتماً برای کسی که اولین بار آنها را اختراع کرده است، شعر بوده اند. (سلاجقه، ۱۳۸۷). در تعریف شعر کودک یمینی شریف می گوید: شعر کودک کلامی است موزون و زیبا چه از حیث ترکیب اصوات و کلمات، چه از حیث مضمون شعر کودک بر پایه موسیقی اصوات و کلمات بنا شده است و وسیله ای است برای بازی، حرکت و آواز او. (علی پور، ۱۳۹۳). کودکان از آن گاه که در گهواره به سر می برند با لالایی که خود ابتدایی ترین شعر است آشنا می شوند و بعدها انواع اشعار عامیانه نظیر بازی ترانه، مهملات، قصه های کوتاه، منظوم، چیستان ها و معماها را تجربه می کنند. آنها در سنین نخستین تنها شیفته ضرب آهنگ و موسیقی کلام هستند و شعر را نوعی بازی کودکانه کلامی تلقی می کنند بنابراین اشعار عامیانه با ویژگی ها و توانایی های کودک این سنین هماهنگ است و در او زمینه لازم برای ایجاد رابطه با شعر فراهم می آورد. حتی شاعران امروز نیز وقتی نه الزاماً برای کودکان بلکه برای مخاطبان بزرگسال نیز شعر می سرایند از این جاذبه موسیقایی شعر استفاده می کنند و آثاری می آفرینند که کودکان را هم به عرصه موسیقی کلام فرا می خواند بی آنکه الزاماً معنی و مفهوم درونمایه ی آن را درک کرده باشند. اما باید بدانیم که اگر شعرهای کودک کوتاه و در عین حال شاد و پر شور باشد مهم ترین انگیزه برای ایجاد علاقه کودک به شعر می تواند باشد و اگر این شعرها با صدای بلند برای کودکان خوانده شود به ویژه برای آن دسته از کودکان که کمتر شعر شنیده اند این عامل موجب علاقه کودک به شعر خواهد شد. (علی پور، ۱۳۹۳). بنابراین شعر خوب می تواند بهترین انگیزه باشد برای کودکان به اندیشیدن، خواندن و حتی نوشتن یا سرودن همچنین یک شعر خوب به خواننده می تواند عمق بخشد و یادگیری را در وی آسان تر نماید هر چند برخی بر این باورند که شعر در دوره خردسالی و در سال های کودکستان و اول دبستان جنبه ادبی و هنری کمتری دارد و رنگ ادبی در آن کمتر مشاهده می شود و بیشتر ریتم آهنگ آن مورد توجه قرار می گیرد اما نادر ابراهیمی درباره شعر کودکان نظر دیگری دارد و می گوید شعر گفتن برای بچه ها یکی از

مشکل ترین شیوه های نوشتن است و چه ساده لوح و خود فریبده کسانی که گمان می برند، می توانند با شکستن کلمات، محاوره ای کردن، جمله به کار گرفتن، انواع اقسام واژه های مهجور یا نادرست و حذف و اضافه کردن بعضی چیزها برای کودکان بسرایند. پس شعر بچه ها باید طوری باشد که بچه ها با شنیدن آن مناظر و تصاویر نهفته در شعر را به وضوح وزنده دریافت کنند. (علی پور، ۱۳۹۳). شعر نیز مانند قصه های شگفت انگیز از ابعاد تخیلی برخوردار است که کودک می تواند از طریق ارتباط مستقیم آنها را دریافت و در ذهن خود باز سازی نماید البته منوط بر این که خیال پردازی های شاعر از جنس خیال پردازی های کودک باشد. حال تصویر در کنار شعر وضعیت بحث انگیزی پیدا می کند و سؤال هایی را مطرح می کند آیا شعر کودک بدون تصویر قابل درک برای کودکان نیست؟ آیا شعری که به طور مستقل قادر به ایجاد ارتباط با کودک نیست می توان به کمک تصویر به کودک انتقال داد؟ آیا تصاویری که تنها به تکرار عوامل صوری شعر مثل اشیاء و پدیده ها می پردازند به شعر وسعت و غنا می بخشند؟ شعر چگونه تصویرهایی را طلب می کند؟ تردیدی نیست که شعر پدیده هنری مستقلی است که به کمک تصویرهای شاعرانه خود در قالب زبانی ملموس و حسی با کودک ارتباط برقرار می کند و شعری که از این نظر ناتوان باشد با کمک تصاویر هم قادر به رفع این فاصله نخواهد بود. تصویر های بزرگ و تمام صفحه که به ترسیم تمام عوامل عینی شعر می پردازند نه تنها کمکی به درک تخیل شاعرانه نمی کنند بلکه برعکس راه تخیل فردی را می بندند و به یکسان سازی برداشت های کودکان اقدام می کنند که این نقض غرضی غیر قابل انکار است. تنها تصویرهایی می تواند در کنار شعر کودک مجاز شمرده شود که سبب دامن زدن به تخیل کودک شود و روزن جدیدی به روی کودک بگشاید و به شعر بعد تازه ای ببخشد. (قرل ایاغ، ۱۳۸۹). فردریک فروبل مؤسس اولین کودکستان در جهان معتقد بود که نقش شعر در زندگی کودکان جانبی و حاشیه ای نیست بلکه شعر همواره با ریتم و آواز باید در برنامه درسی کودکان آنچنان نقشی داشته باشد که یادگیری مفاهیم و دروس را میسر سازد. شاعر کودک نباید تجربه های بزرگسالانه خود را در قالب شعر کودک بریزد کودک در آغاز زندگی مفاهیم فلسفی آشنایی ندارد بلکه کودک آنچه را که می بیند و حس و لمس می کند می شناسد او ممکن است مدت ها در داخل باغچه کوچک خانه اش دنبال یک پروانه ای که روی گل های باغچه اش می نشیند بدود و با آن پروانه بازی می کند پس شعر کودک باید دارای حس کودکانه باشد و نیز باید از تجربه های کودکان برخوردار باشد همچنین می توان گفت کودک با شعر زندگی می کند عشق می ورزد به شرطی که شعر کودک، دارای مفاهیمی کودکانه باشد نه دارای اندرزهای پدر بزرگانه. پس شاعر کودک باید با تعلیم و تربیت و روان شناسی در واقع با تمامی نیازها و خواسته های کودکان امروز آشنایی کامل داشته باشد و باید بداند کودک امروز نیازمند چه چیزی است، چه چیزی روح او را آزاده و چه چیزی او را به شور و شادی و می دارد. در این جا لازم است اشاره مختصری هم به تفاوت شعر کودک و بزرگسال داشته باشیم دیگر تردیدی نیست که کودکان و بزرگسالان به دو دنیای متفاوت تعلق دارند و جهان بینی آنها متفاوت است و از پشتوانه تجربی متفاوتی نیز برخوردارند؛ ولی این تفاوت ها سبب تفاوت در به کارگیری عوامل ادبی شعر نیست بلکه استفاده از ابعادی از زندگی است که برای کودک معنا دار است. در واقع شعر کودک مثل همه انواع آثار خاص کودکان باید از زندگی کودک گرفته باشد یعنی جاذبه احساسی شعر کودک باید بازتابی باشد از احساسات واقعی. کودکان اشعاری که زیبا و فریبنده و یا حسرت آور و کنایی هستند ممکن است درباره کودکان باشند ولی مسلماً شعر کودک نیستند. برای مثال احساس بزرگسالان درباره مدرسه با احساس کودکان متفاوت است در شعرهایی که در این زمینه برای کودکان سروده می شود به جای آن که احساس های کودکان مطرح شود بیشتر نگاه بزرگسالان غالب است. آیا به راستی احساس کودکی که قرار است برای اولین بار قدم به مدرسه بگذارد چنین است؟ محمود کیانوش درباره شاعر کودک بر این باور است شاعری که برای کودک شعر می گوید دوره کمال زندگی را طی می کند جوان است یا میانسال است یا شاعر کودک بوده است و به دوران رسیده است بدبین یا خوش بین است تندرست یا علیل مزاج است و بسیار و بسیار چیزهای دیگر اما هنگامی که می خواهد برای کودک شعر بگوید یا می تواند

خود را با همه توانایی های ذهنی و فکری که دارد در قالب کودکی سالم و پر تحرک و بالنده و با نشاط جای دهد یا نمی تواند اگر توانست شاعر کودک است و اگر نتوانست فرتوت بیچاره نالنده ای است گران بار از حسرت. (علی پور، ۱۳۹۳).

اهمیت خواندن شعر

خواندن شعر علاوه بر آنکه می تواند احساس لذت بسیاری را به خواننده القا کند، فواید بسیاری را نیز به دنبال دارد. فرقی هم نمی کند که چه سبک و قالبی از شعر را از چه شاعری مطالعه می کنید. در واقع خواندن شعر علاوه بر لایه سطحی و عمومی آن به عنوان یک اصل مهم و لازم شناخته می شود. به طور کلی اهمیت شعرخوانی در فواید آن خلاصه می شود، که شامل تقویت فرهنگ، افزایش دایره واژگان، بهبود هوش کلامی، تقویت حافظه، پیشگیری از زوال عقل، افزایش اعتماد به نفس، بهبود روابط اجتماعی، افزایش دانش و اطلاعات عمومی، بهبود ضریب موفقیت، افزایش خرد و فهم و... می شود. بسیاری از افراد معتقدند که خواندن شعر چندان مهم نیست، تا حدی که حتی لازم نیست که به آن به چشم یک فرهنگ نگاه کرد. به همین دلیل هم هست که معمولاً از چشم این افراد بودن و نبودن شاعران تفاوت چندانی نمی کند، اما اگر کمی دقیق تر بررسی کنیم خواهیم دید که یکی از دلایلی که همین افراد را از شعر خواندن دور می کند نفهمیدن و درک نکردن مفاهیم اشعار است. حالا چگونه معنی شعر را بفهمیم؟ البته همه ما می دانیم که ندانستن عیب نیست، اما اینکه خواهیم به دلیل ندانستن شعر به کلی قید آن را بنزیم، عیب بزرگی خواهد بود. طبیعتاً برای همه ما پیش می آید که وقتی غزل، قصیده و یا هر قالب شعری دیگری را که می خوانیم در بسیاری از ابیات، معانی واژه ها و عبارات را درک نکنیم و در نتیجه نتوانیم منظور اصلی شاعر را بفهمیم. بنابراین این مسئله آن قدر موضوع عجیبی نیست که بخوایم آن را پنهان کنیم. اتفاقاً یکی از جذابیت های شعرخوانی به همین موضوع باز می گردد. اینکه شما بتوانید در میان صدها تشبیه و استعاره به مفهوم اصلی و البته مورد نظر شاعر دست یابید نقطه عطف شعرخوانی خواهد بود. در چنین شرایطی شما سعی می کنید که برای یافتن معانی اشعار به نوعی دست به رمزگشایی بزنید. این کار شبیه حل کردن یک معمایی است که از زبان شاعر نقل شده است. طبیعی است که با توجه و تلاش برای حل این معما می توانید ذهن و حافظه خود را به حرکت و پویا وا دارید. در بسیاری از شرایط حتی شاید لازم باشد که برخی از اشعار را بارها و بارها بخوانید تا متوجه مفهوم و معنی آن شوید. در نتیجه یکی از اصلی ترین تأثیرات شعرخوانی آن است که ذهن شما را به تکاپو می اندازد و علاوه بر آنکه دانش واژه شناسی و ادبیات شما را افزایش می دهد، می تواند به فعالیت هر چه بیشتر ذهن شما و به دنبال آن سلامت ذهنی تان کمک بسیاری کند. (حقیقت، ۱۳۹۹).

قالب های شعر کودک

همچون شعر بزرگسال شعر کودک در قالب های گوناگون و رایج سروده شده است و هر شاعری بی گمان خود به قالبی سپرده و در آن قالب سخن سرایی کرده است برخی بیشتر غزل می سرایند اما قالب های غالب در شعر کودکان چهار پاره و مثنوی می باشد. (علی پور، ۱۳۹۳). یمینی شریف از جمله شاعرانی است که در سرایش شعر کودک به قالب توجه وافر داشته است او خوب می دانست قالب هایی می توانند مورد علاقه کودکان قرار بگیرند که قافیه ها نقش فراوانی در آن قالب ها داشته باشد لذا از قالب هایی مثل غزل، مثنوی و چهار پاره بیشتر استفاده کرده است. شعر کودک نیاز به موسیقی فراوان دارد و هر چه شعر از نظر آهنگ غنی تر باشد، شعر در پیش چشم کودکان زیباتر می نماید و راحت تر کودکان با آن شعر ارتباط برقرار می کنند. قالب مثنوی از معدود قالب هایی است که به خاطر تکرار قافیه در هر بیت از این ویژگی برخوردار است و برخی شاعران

کودکان به این قالب رو می آورند اما آنچه در شعر کودک و نوجوان در این قالب سروده شده، بسیار اندک است و بیشتر می توان آن را نوعی «مثنوی واره» نامید که با توجه به ویژگی های شعر کودک از نظر فرم مثنوی به شمار می آیند ولی اهداف مثنوی را برآورده نمی کنند. چرا که نه به قصد گسترش موضوع در شعر مطرح شده اند و نه از جهت درونمایه به درون مایه اصلی این قالب شعری نزدیکند. بلکه در خدمت توصیف های ساده یا نوعی بازی و تفنن شعری قرار می گیرند. (سلاجقه، ۱۳۸۷).

معیارهای انتخاب شعر

(۱) شعر باید دارای نظم خاصی باشد.

(۲) آهنگ شعر کودک مناسب باشد و برای آموزش بهتر یاد گرفتن کودک باشد.

(۳) افعال و احساسات منفی (مثل دروغگویی، آداب ناپسند) در شعر کودک نباشد.

(۴) محتوا شعر کودک سبب تقویت تفکر و خلاقیت کودک شود.

(۵) موضوع شعر کودک بر اساس نیاز و شرایط کودک انتخاب شود.

(۶) انواع شعر (خنده دار، داستانی، تربیتی) برای کودک خوانده شود.

(۷) طول شعر مناسب باشد که کودک بتواند به راحتی شعر را به خاطر بسپارد.

(۸) شعر کودک باید حس کنجکاوی را در کودک برانگیزد.

آموزش از طریق شعر می تواند برای کودکان در سنین پایین موثر باشد چون یادگیری آسان تر است. بنابراین کودکانی که توانایی خواندن و نوشتن ندارند مفاهیم پیچیده را از طریق شعر و سرود بهتر درک می کنند. شعر کودک زبان شادی ها و

آرزوها و غم ها است. همه کودکان به طور فطری شعر را دوست دارند و از شعر لذت می‌برند، اولین واکنش کودک به شعر شادی و لذت است. شعر دریافت های تازه ای به کودکان از جهان پیرامون می دهد و به کودک کمک میکند، تا با احساسات عالی به جهان بنگرد. شعر نیروی تخیل کودک را تقویت می کند و به کودکان فرصتی می دهد فراتر از واقعیت های موجود زندگی بنگرد و آرزوهای بزرگتر را در تخیل حس کنند که زمینه ساز فعالیت های بعدی است. شعر کودکان را در شناخت مفاهیم جهان پیرامون مثل اندازه، شماره، رنگ یاری می دهد. (محمد نژاد، ۱۳۹۹).

دنیای خیال و فکر با شعر خواندن

طبیعی است که یکی از ملاک های اصلی شعر و ادبیات آن است که با خیال عجین شده است. به همین دلیل هم با کمک آرایه های بسیاری همچون تشبیه و استعاره، معانی اصلی و واقعی شاعران به چشم ما می آیند. بنابراین تخیل به عنوان یکی از اصلی ترین وجوه شعر، دستان ذهن شما را می گیرد و آن را رها می کند. در نتیجه ذهن شما پا به دنیای خیال می گذارد و هم چیز را از همان زاویه ای نگاه می کند که دوست دارد. به همین دلیل هم هست که همه ما از خواندن شعر لذت می بریم، چراکه تخیلات مان به ما کمک می کنند که دنیایی رها تر و دوست داشتنی تر داشته باشیم. چنین مسئله ای حتی از نظر علمی نیز ثابت شده است. امروزه بسیاری از متخصصان معتقد هستند که خواندن شعر می تواند به ذهن شما نوعی رهایی بدهد و به شما کمک کند که راه های جدیدتری را برای تجربه دنیا و ادامه زندگی خود پیدا کنید. به همین دلیل هم ایجاد نوعی جهان بینی تازه بعد از خواندن شعر نیز یکی دیگر از ویژگی های اجتناب ناپذیر آن به شمار می آید. در واقع اگر بخواهیم واضح تر بگوییم، یکی از اصلی ترین وظایف شاعران این است که مفاهیم جدیدی را با جهان بینی تازه تری به مخاطبین خود ارائه دهند. شاید در رابطه با بسیاری از مفاهیم ساده ای که خیلی از ما به راحتی از کنار آن ها می گذریم شاعر زاویه جدیدتر و البته عمیق تری را نشان می دهد، آن هم با کمک تعبیری متفاوت و جذاب. در چنین شرایطی تلفیق دنیای واقعی و تخیلی، باورها و افکار شما را رشد خواهد داد. به همین دلیل هم هست که غالباً بعد از خواندن شعر احساس آرامش و سبک بالی بیشتری پیدا می کنیم. شعر خوانی در درازمدت در شخصیت و باورهای شما نفوذ کرده و به تعالی آن کمک بسیاری می کند. (حقیقت، ۱۳۹۹).

تاثیر آموزش شعر بر یادگیری دانش آموزان

چنانکه میدانیم کودک زیبایی و موزونی کلام را در موسیقی باز می یابد و معانی را با موسیقی می آموزد و هنگامی که سخن گفتن را در حد معانی قابل ادراک جهان خود آموخت بیشتر به سخنی می گراید که سرشار از موسیقی و زیبایی باشد، زیرا یادگیری از راه شنیدن است و اگر کلام به گوش او خوشایند و آهنگین باشد یادگیری سریعتر انجام می پذیرد. در سخن کودک نوعی موسیقی است و در آن مصوت های بلند بیشتر است زیرا با مصوت های بلند بهتر میتوان آواز خواند. جملات کودک پاره هایی از آوازند که در واقع بر شی یا مفهومی اشاره دارند. ارضاء نیاز فطری کودک به موسیقی تلطیف، جهت دهی به احساس و عاطفه کودک، آشنایی کودک به مفاهیم و ارزش های اخلاقی دینی و علمی، گسترش دنیای ذهنی و ذوقی کودک زمینه سازی برای بروز ذوق و استعداد کودک آموزش زبان و گسترش بایگانی واژگان کودک، تصحیح ساختار نحوی گفتار کودک و.. جایگاه ویژه و اهمیت نقش شعر در زندگی کودک را نشان میدهد. (موحدی مهر آبادی و جوادی آسیاش، ۱۳۹۳).

تاثیر شعر بر دانش آموزان مقطع ابتدایی

شعر در به خاطر سپاری، متون نقش بسیار چشم گیری دارد و به همین دلیل آموزش کودکان بیشتر متأثر از شعر بوده است و به خوبی می توان آن را در حافظه جمعی ملاحظه کرد. نشاطی که جمع خوانی شعر می تواند ایجاد کند به همراه علاقه فطری کودکان به شعر افزایش توان یادگیری آنها را به همراه خواهد داشت. خیال انگیز بودن و موسیقایی بودن شعر خستگی را برای دانش آموز در بر نخواهد داشت. کودکان از شنیدن شعر لذت می برند نه بخاطر اینکه با صناعات ادبی آن آشنا هستند بلکه آنها با آهنگ شعر و ریتم موجود در آن به جنبش و جوشش در می آیند و شاد می شوند و در هنگام شنیدن توام با لذت مفهوم اشعار را نیز به خاطر می سپارند به هر حال تاثیرات شعر و موسیقی در کودکان بسیار زیاد است و به همین دلیل می توان از این وسیله برای آموزش بهتر موثر تر و ماندگارتر استفاده نمود، چرا که موسیقی و شعر با روحیه ی کودک بسیار سازگار است و هر آنچه را که هدف آموزش باشد و از طریق شعر و موسیقی به او تعلیم داده شود، فرا می گیرد. اگر پدران و مادران امروزی به دوران کودکی خود بیندیشند به خوبی درمی یابند که قبل از دبستان و حتی پس از آن برای همه لحظات زندگی خود از شکل شاعرانه استفاده می کرده اند. (رضائی و همکاران، ۱۳۹۸).

نتیجه گیری

واقعیت این است که قصه گوئی و شعر خوانی ناخودآگاه ذهن را درگیر می کنند چرا که در قصه گوئی و شعر خوانی نوعی آزادی عمل، نشاط، صمیمیت و پرهیز از اجبار دیده می شود. بنابراین قصه و شعر در یادگیری می توانند در گسترش گنجینه لغات، کم کردن فاصله خواندن و درک مطلب، درک حقایق و تجارب زندگی، آشنایی با ادبیات و فرهنگ اقوام و ملل، افزایش مهارت گوش سپردن، تمرین تصویرسازی، برانگیختن حس کنجکاوی، تقویت شعور اجتماعی، رشد و پرورش نیروی تخیل کودکان، آشنایی با صفات پسندیده و بیزاری از کارهای ناپسند نقش داشته باشند. قصه های کودکان و کتاب های داستان کنجکاوی کودک را پرورش می دهند و موجب می شوند تا او زیاد بپرسد، به تفاوت ها و جزئیات علاقه نشان دهد و بخواهد بیشتر بداند. به این ترتیب هر چه بیشتر برای کودکان بخوانید، او بیشتر خواهان خواندن می شود. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد می توان به بعضی از کارکردهای قصه کودکان و شعر کودکان اشاره کرد: ۱- دایره ی واژگانی کودک گسترده تر می شود؛ ۲- یادگیری و عملکرد کودک در دوران تحصیل بهتر خواهد بود. ۳- حس کنجکاوی تقویت می شود؛ ۴- باعث درک بهتر مطالب می شود؛ ۵- مهارت گوش کردن تقویت می شود؛ ۶- تخیل کودک جان می گیرد و آزاد و رها پیش می رود؛ ۷- شناخت کودک از جهان عمیق تر می شود.

منابع

الین گرین (۱۳۷۸). هنر و فن قصه گوئی. مترجم: طاهره آدینه پور.

حقیقت، طلوع (۱۳۹۹). چرا باید شعر و شعرخوانی را در برنامه روزانه زندگی خود بگنجانیم؟

<https://psarena.ir/reading-poem>

- رضائی، زهرا؛ استاجی، اکرم و گلی زاده عطایی، مهری (۱۳۹۸). بررسی تاثیر داستان و شعر در آموزش و یادگیری. سلاجقه، پروین (۱۳۸۷). از این باغ شرقی. چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سجودی، مرجان (۱۳۹۷). قصه گویی جهانی ترین تجربه انسانی. مجله رشد جوانه شماره ۶.
- سلیقه دار، سکینه (۱۳۹۹). نقش قصه و تاثیر آن در یادگیری. <https://www.roshdmag.ir/fa/article>.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۱). مهارت های آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
- شجاعی، ساناز (۱۳۹۷). جادوی قصه و فواید آن. مجله رشد آموزش ابتدایی، شماره ۵.
- شکوفه فرد، شایسته (۱۴۰۱). ۱۵ فایده قصه گفتن برای کودکان. <https://www.yasanclinic.ir/Positive-points-of-storytelling-to-kids>
- صیادی زاده، فاطمه (۱۳۹۷). بررسی شیوه های قصه و قصه گویی در کودکان.
- ظاهری عبده وند، ابراهیم و یدالهی، حسین (۱۳۹۳). احیای قصه گویی خلاق برای کودکان به عنوان یکی از موارد تمدن ایرانی اسلامی.
- علی پور، منوچهر (۱۳۹۳). آشنایی با ادبیات کودکان. چاپ چهارم، تهران، تیرگان.
- غلامی زارع زاده، فهیمه (۱۳۹۵). تاثیر قصه های قرآن کریم بر تربیت و رشد کودکان.
- قزل ایاغ، ثریا (۱۳۸۹). ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن. چاپ هفتم، تهران، سمت.
- گورانی طلبی، طیبه؛ بحری تنبانی، نجیبه و اسلامی چاهویی، مریم (۱۳۹۵). نقش قصه در تعلیم و تربیت اسلامی کودکان.
- محمد نژاد، شادی (۱۳۹۹). اهمیت و نقش و جایگاه شعر برای کودکان.
- مرادی مخلص، حسین؛ حیدری، ایرج؛ کریمی، بهرامعلی و سورسوری، کلثوم (۱۳۹۴). تاثیر لالایی و قصه گویی بر یادگیری.
- موحدی مهر آباد، محمد باقر و جوادی آسایش، سحرانه (۱۳۹۳). تاثیر آموزش شعر بر بازبینی حافظه کودکان.